

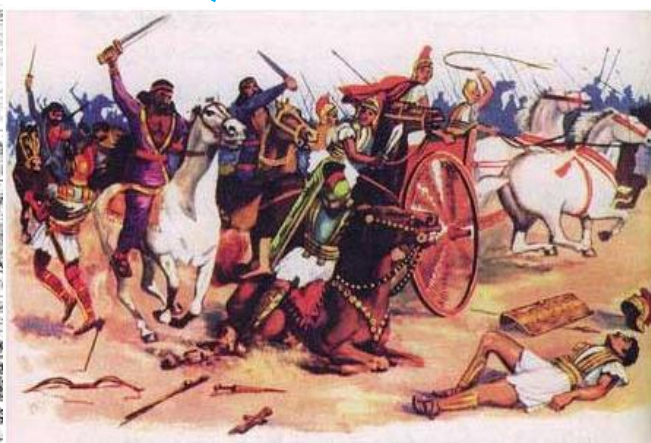
نگاهی بر حکمروایی ها، دیکتاتوری ها، نظامیگری ها و

جهانگشایی های تاریخ

بخش - ۳ تهیه و پژوهش (صبح)

(پژوهش و تحقیق تاریخی با استفاده از منابع و ماخذ های مختلف و با نوآوریها و تحقیقات بیشتر، امیدوارم که این پژوهش مستند تاریخی بتواند به عواقب ناگوار جنگها و جنگ افروزیها آگاهی سودمندی را به انسانهای خسته از جنگ در کشور دردمند و ویرانه ما بدهد)

نبردهای امپراتوری بین النهرین



امپراتوریهایی در بین النهرین از حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد شکوفا شده و منقرض گردید. جنگجویان هی تی در سال ۱۵۹۵ قبل از میلاد، شهر بابل قدیم را نابود کردند و اداره قلمرو تحت سلطه آن را به دست گرفتند تا پیش از سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد، امپراتوری هی تی، بوسیله سپاهی بیرحم از آشوریان تصرف و منقرض گردید امپراتوری آشور به سرعت در بین النهرین گسترش یافت. اما هنگامی که در قرن هفتم قبل از میلاد به اوج رسیده بود، بوسیله بابلیها مورد حمله قرار گرفت. هی تی ها، ساکنان اولیه نواحی مرکزی ترکیه کنونی، سپاهی منظم و تعلیم دیده فراهم آوردند. آنها در سال ۱۵۹۵ قبل از میلاد بابل را تسخیر نمودند و به صورت یکی از قدرتهای حاکم شرق میانه درآمدند. هی تی ها امپراتوری خود را از محلی واقع در نزدیکی شهر بغاز کوی در ترکیه کنونی، اداره می کردند آنان بر روی قله یک تپه دور دست، قلعه ای ساختند و با احداث دیواری سنگی به طول تقریبی ۵ کیلومتر (۳ مایل)، بر استحکام آن افزودند.

پیروزیهای نظامی هی تی ها به استفاده ماهرانه آنها از ارابه های جدید و سبک و نحوه به کار گیری سلاحشان، بستگی داشت سربازان هی تی دارای مهارتهای گوناگون بودند آنها در جنگهای منظم روی دشتهای هموار سوریه، بوسیله نیزه می جنگیدند و در نبرد های تن به تن در میان ماهور های ترکیه با شمشیر های برنده، به نبرد می پرداختند.

نبرد هی تی ها با مصریان: در حدود سال ۱۳۰۴ قبل از میلاد، هی تی ها حتی با مصریان که یک تمدن قدرتمند ایجاد کرده بودند، در محلی به نام کادش، جنگیدند هر دو کشور به پیروزیهای دست یافتند آنها در نهایت یک قرارداد صلح امضا کردند طبق این قرارداد، شمال دمشق به عنوان مرز میان هی تی و مصر تعیین گردید.

هی تی ها در سرزمین خود، واقع در ترکیه کنونی، روش ذوب آهن و استخراج آهن از آن را تکامل بخشیدند این امر آنها را قدرتمند نمود. آهن برای ساخت سلاح مناسب تر بود و همچنین از برنز ارزانتر و از مس و قلع محکم تر بود. سنگ آهن نیز بیشتر از سنگهای معدنی دیگر قابل دسترس بود. هی تی ها

شروع به جایگزین نمودن ابزارها و سلاحهای آهنی به جای ابزار برنزی، کردند این فلز جدید به آنها کمک کردند تا به ثروت خود بیفزایند. ابزار و خیشهای کشاورزی آهنی برای شخم زدن زمینهای سخت مورد استفاده قرار می گرفتند. کشاورزی و تجارت رونق پیدا کرد. هی تی ها سعی کردند تا فلز آهن را از دیگران مخفی نگه دارند. استفاده از آهن در ساخت وسایل و ابزار، تنها بعد از زوال امپراتوری هی تی، متداول شد.

امپراتوری هی تی از حدود سال ۱۴۶۰ قبل از میلاد تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد استمرار پیدا کرد در پایان این دوره، امپراتوری هی تی از سوی آشوریان مورد تهدید قرار گرفت. آشوریان در نهایت امپراتوری خود را بنا نهادند حتی موطن هی تی ها در ترکیه بوسیله مهاجرانی از نواحی شمال غربی این سرزمین، موردتاخت و تاز قرار گرفت.

حکومت پادشاهی آشور در دره رودخانه دجله از سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد مستقر بود. در قرن نهم قبل از میلاد آشوریان شروع به تصرف سرزمینهای دیگری در بین النهرین کردند سپاهیان بی رحم و خونریز آشور در طول ۲۰۰ سال بعدی، برای مسلط شدن بر این ناحیه به آنجا لشکر کشی می کردند. آنها پادشاهان را به پرداخت باج و خراج وادار می نمودند، و مردم را به زور از خانه و کاشانه شان بیرون می کردند. تا اوایل قرن هفتم قلمرو امپراتوری آشور در سراسر بین النهرین، گسترش یافته بود. آشوریان پایتخت های متعدد مختلفی داشتند. سارگن دوم که از ۷۲۱ تا ۷۰۵ قبل از میلاد حکومت کرد، پایتخت خود را مجدداً در خرساباد، بنا نمود. بعد از مرگ او در جنگ، پسرش، شاه سناخریب (سنا کریب) که از ۶۸۱ تا ۷۰۴ قبل از میلاد حکومت کرد، شهر نینوا، آخرین پایتخت امپراتوری آشور را بنا نهاد این شهر که با دیوار های محکم محافظت می شد دارای ۱۵ دروازه ورودی بزرگ بود در درون این شهر یک قلعه قرار داشت ک قصر های پادشاه را در خود جای داده بود. در سال ۶۸۹ قبل از میلاد، سناخریب، شهر بابل را به اوج شکوه گذشته باز گردانید، کشته شد.

پادشاه بعدی، آشوربانیپال که از ۶۶۸ تا ۶۲۷ قبل از میلاد حکومت کرد، سردار جنگی موفقی بود که در عین حال، کار سخت بناهای بسیاری را آغاز نمود در زمان مرگ او، آشور دولتی قدرتمند بود اما امپراتوری بابل برای تسخیر قلمرو امپراتوری آشور با دولتهای دیگر متحد شد در سال ۶۱۲ قبل از میلاد، آنها شهر نینوا را غارت و با خاک یکسان نمودند و امپراتوری آشور را منقرض کردند.

یکبار دیگر شهر بابل به عنوان پایتخت امپراتوری بابل برگزیده شد نبوپولاسار (پولس) که از ۶۲۶ تا ۶۰۵ قبل از میلاد حکومت کرد، شهر بابل را پایتخت خود قرار داد و سلسله جدید فرمانروایان بابل را بنیاد نهاد پسرش، نبوکد نزر که از ۶۰۵ تا ۵۶۲ قبل از میلاد فرمانروایی کرد، در بین نوادگان او بیشترین شهرت را داشت و بیش از ۴۰ سال حکومت کرد او شهر بابل را بازسازی کرد و یک خیابان جدید، یک قصر یک عبادت ورودی زیبای شهر یعنی دروازه ایشتار را ساخت نبوکدنزر بر وسعت و عظمت برج بابل، پرستشگاه بزرگی که در انجیل از آن نام برده شده است افزود.

این لوحه گلی بابلی، متعلق به ۷۰۰ سال قبل از میلاد، قدیمی ترین نقشه جهان می باشد. این نقشه که در عراق پیدا شد، سرزمینهای ماورای امپراتوری بابل را مشخص می کند نقشه های قدیمی مانند این، یک طرح هنری از محیط اطراف را ارائه می دادند اما استفاده عملی نداشتند.

اسارت و بردگی یهودیان در بابل: نبوکدنز (بخت النصر) پیکارهای سختی را علیه یهودیان انجام داد و شورش آنها را با موفقیت در هم کوبید در سال ۵۸۶ قبل از میلاد، این پادشاه، شهر اورشلیم و معبد حضرت سلیمان (هیکل) را نابود کرد یهودیانی که جان سالم بدر برده بودند، مجبور شدند به بابل بروند و در آنجا به عنوان برده کارکنند. این واقعه به نام اسارت و بردگی یهودیان در بابل معروف است یهودیان تا سال ۵۳۹ قبل از میلاد یعنی زمانی که ایرانیان به بابل حمله کردند و آخرین امپراتوری بین النهرین را نابود کردند؛ همچنان در اسارت بودند.

در قرن هفتم قبل از میلاد، شهر بابل تحت فرمانروایی کلدانیان مجدداً عظمت خود را باز یافت. نبوکدنزر معروف به بخت النصر قصر سلطنتی را باز سازی کرد. در درون این قصر باغهای معلق معروف بابل، یکی از عجایب هفتگانه دنیای باستان، قرار داشت. اطلاع دقیقی از شکل این محل در دست نیست

اما آنها احتمالاً باغها به شکل ایوانهای چند طبقه ساخته شده بودند و فضای سبز مصنوعی بلندی را بوجود می آورند.

۱۵۹۵ ق.م: هی تی ها بابل را تصرف کردند .

حدود ۱۴۶۰ ق.م: تودهالیاس، پادشاه هی تی، شروع به فتح مناطقی نمود که در نتیجه منجر به تاسیس امپراتوری هی تی گردید .

حدود ۱۳۴۶ ق.م - ۱۳۸۰ ق.م: امپراتوری هی تی در طول حکومت پادشاه سوپیلولیوماس، در اوج قدرت بود .

حدود ۱۳۰۴ ق.م: جنگ کادش میان هی تی ها و مصریان به وقوع پیوست. دو امپراتور پیمان صلح امضا کردند .

حدود ۱۲۰۰ ق.م: دوران امپراتوری هی تی با حمله آشوریان به سر رسید .

۷۲۷ ق.م - ۷۲۱ ق.م: تیگلات پیلرز (پیلسر) سوم، فرمانروای آشوریان، امپراتوری آشور را تا سواحل مدیترانه گسترش داد .

۷۰۵ ق.م - ۷۲۱ ق.م: سارگون دوم، پادشاه آشور، در ترکیه به فتوحاتی دست پیدا کرده و پایتخت خود را خرساباد بازسازی نمود .

۶۸۹ ق.م: سناخریب، پادشاه آشور، شهر بابل را غارت و نابود کرد.

۶۲۷ ق.م - ۶۶۸ ق.م: در این زمان، آشور بانیپال بر آشوریان فرمانروایی می کرد وی کتابخانه ای عظیم از لوحهای گلی در شهر نینوا، پایتخت آشور، گرد آورد .

۶۲۱ ق.م: بابلیها، مادهای (Medes) ساکن شمال خراسان و متحدان دیگرشان، به امپراتوری آشور حمله کردند .

۶۱۲ ق.م: بابلیها، شهر نینوا را تسخیر نمودند .

۵۶۲ ق.م - ۶۰۵ ق.م: در این دوران، نبوکدنز (بخت النصر) بر امپراتوری جدید بابل (امپراتوری کلدی)، حکومت می کرد .

۵۸۶ ق.م: نبوکدنز سپاهیان یهودیه، بخش جنوبی قلمرو قوم بنی اسرائیل، را شکست داد و اورشلیم را با خاک یکسان کرد. او کاهنان یهود و مردم عادی را به بابل تبعید کرد. آنها در آنجا به صورت برده زندگی می کردند .

۵۳۹ ق.م: آریایی ها به بابل حمله کردند و نیونید (نیونیدوس)، آخرین پادشاه بابل، را شکست داد.

جنگهای اسکندر



اسکندر کبیر، فقط بیست سال داشت که پادشاه دولت-شهر مقدونیه در یونان، شد. او تنها در مدت سیزده سال، یک امپراتوری وسیع را که از مصر تا هند کشیده شده بود، بوجود آورد. اسکندر در جنگ نترس بود و سربازانش او را خدا می پنداشتند. هنگامی که او در سال ۳۲۳ قبل از میلاد از دنیا رفت، او را در یک تابوت طلایی قرار دادند و در شهر مصری اسکندریه دفن کردند .

اسکندر (۳۵۶-۳۲۳ قبل از میلاد) که شیفته شهرت بود، بزرگترین امپراتوری را که جهان باستان به خود دیده بود، بوجود آورد. اما هنگامی که فقط ۳۲ سال داشت، بعد از ضیافتی مجلل، بیمار شد و از دنیا

رفت. در حالیکه داستان فتوحات او در بسیاری از زبانها بازگو می شود، میراث اسکندر، مسیر دیگری را طی می کند.

اسکندر کبیر در زمان کودکی، بوسیله فیلسوف بزرگ یونانی، ارسطو ۳۸۴-۳۲۲ قبل از میلاد آموزش می دید. او به فرهنگی که به ارث برده بود، افتخار می کرد و قصد داشت فرهنگ یونانی را در سراسر امپراتوری گسترش دهد. اسکندریه، شهری که در سال ۳۳۲ قبل از میلاد، توسط اسکندر تاسیس شد، تحت حکومت بطالسه در مصر، پایتخت تمدن یونان باستان شد.

اسکندر در جریان ساختن امپراتوری خود، نقشه سرزمینهای نا شناخته را به جهان غرب معرفی کرد. او بیش از ۷۰ شهر تاسیس کرد و راههای بازرگانی جدیدی به وجود آورد. امپراتوری وسیع و جوان او بعد از مرگش پایدار نماند، چرا که اسکندر خود نیروی اصلی حفظ امپراتوری بود. با این حال، کشور گشایی های او دانش تاریخ و جغرافیایی طبیعی را گسترش داد.

اسکندر قصد داشت بهترین بخش فرهنگ یونانی را با بهترین بخش فرهنگ آسیایی در یکجا جمع کند. او برنامه ای برای استقرار آسیائیهها در اروپا و اروپایی ها در آسیا داشت و سربازان خود را تشویق می کرد که با زنهای محلی (آسیایی) ازدواج کنند. و ۸۰ نفر از افسران با زنان اشراف باختری ازدواج کردند. تعداد ۱۰۰۰۰ نفر از سربازانی که با دختران محلی ازدواج کردند، به عنوان پاداش جهیزه فراوانی دریافت کردند. اسکندر خودش نیز دختر پادشاه باکتريا (افغانستان) رکسانا را به عقد خود درآورد.

اسکندر کبیر در فتوحات خود سپاه خود را ۱۹۰۰۰ کیلومتر، از یونان تا شمال هند، رهبری کرد. مردان او همه ارتشهای سر راه خود را شکست دادند.

۳۳۸ قبل از میلاد

در جنگ چایرونی، فیلیپ مقدونی، پدر اسکندر، حاکم ارشد دولت شهرهای یونان شد. اسکندر جوان فرمانده سواره نظام فیلیپ است.

۳۳۶ قبل از میلاد

بعد از مرگ پدر، اسکندر پادشاه مقدونیه می شود.

۳۳۴ قبل از میلاد

در جنگ گرانیوکوس (امروزه کوباباس)، اسکندر اولین پیروزی خود را در عبور فاتحانه از آسیای صغیر، بدست می آورد.

۳۳۳ قبل از میلاد

اسکندر آریایی ها را، در جنگ ایسوس، شکست می دهد. داریوش می گریزد و خانواده و گنجینه اش را پشت سر خود باقی می گذارد.

۳۳۲ قبل از میلاد

سپاه اسکندر با موفقیت شهر تاپیر (در لبنان) را محاصره کرده و از آنجا به طرف مصر می رود.

۳۳۱ قبل از میلاد

در جنگ گواگاملا (در عراق)، داریوش نهایتاً شکست می خورد. وقتی سال بعد داریوش به دست یکی از بستگانش کشته می شود، اسکندر حاکم خاور میانه می شود.

۳۳۰ قبل از میلاد

اسکندر شهر سلطنتی تخت جمشید را فتح کرده و آنرا آتش می زند.

۳۲۸ قبل از میلاد

بعد از محاصره موفقیت آمیز آکسیارت، پادشاه باختر (افغانستان امروزی)، در قلعه کوهستانی او، اسکندر دخترش، شاهدخت رکسانا، را به عقد خود در می آورد.

۳۲۶ قبل از میلاد

در جنگ هایداسپس، در پنجاب هند، اسکندر شاهزاده هندی، پوروس، را شکست می دهد. جنگجویان فرسوده او از پیشروی در ناحیه بارانهای استوایی، خودداری می کنند و اسکندر هندوستان را ترک می کند.

۳۲۳ قبل از میلاد

اسکندر در بابل از دنیا می رود. بطلمیوس، سردار سابق او، جسدش را به مصر باز می گرداند و او را در یک تابوت طلایی در اسکندریه دفن می کند.

وقتی اسکندر از دنیا رفت، سردار مورد اطمینان او، بطلمیوس، حکومت مصر را به دست گرفت سلسله ای که او بنیاد نهاد تا زمان خود کشتی کلئوپاترا در سال ۳۰ قبل از میلاد، ادامه پیدا کرد. بطالسه به زبان یونانی صحبت کرده و خدایان یونانی را پرستش می کردند. اما آنها نیز مثل فراغنه قبل از خود، غالباً با خواهران خود ازدواج می کردند و خدایان مصر باستان را مورد احترام قرار می دادند. پایتخت آنها، اسکندریه یک شهر بزرگ با فرهنگ یونانی بود.

اسکندر اسب خود، بوسفالوس، را بسیار مورد احترام قرار می داد. گفته می شود که این اسب جنگی نیرومند فقط به صاحب سلطنتی خود سواری می داد. وقتی بوفالوس در جریان جنگ هایداسپس در ایالت پنجاب (ایالتی در هند) کشته شد، اسکندر برای او مراسم تدفین سلطنتی برگزار کرد و به احترام بوسفالوس یک بنای یادبود بسیار زیبا ساخته شد. شهری در آن نزدیکی که هنوز وجود دارد، به نام بوسفالوس، نام گذاری شد.

اروپاییها متمدن و روم دریک رویاروی بزرگ وشکست روم



قرون وسطی نتیجهی یورشهای بربرها به سرزمینهای زیر فرمان امپراتوری روم بود. واژهی بربر ریشهی یونانی دارد و به مفهوم "بیگانه" است. رومیها این واژه را برای همهی مردمانی که به زبان لاتین سخن نمیگفتند به کار میبردند و معتقد بودند که همگی وحشی و بیتمدن هستند.

مهمترین بربرهایی که باعث فروپاشی امپراتوری روم شدند، جرمنهای اروپا بودند که در شمال اروپا زندگی میکردند و در سال ۲۰۰ پیش از میلاد به آلمان کوچ کردند. جرمنها در سال ۷۰ پیش از میلاد به طرف جنوب حرکت کردند، سلتها را شکست دادند و در گال فرانسه ساکن شدند. ژولیوس سزار در سال ۵۶ پیش از میلاد آنها را از گال عقب راند، اما آنها در سال ۹ پیش از میلاد علیه رومیها شوریدند. در ۲۶۰ تا ۲۷۰ پس از میلاد، برخی قبیلههای ژرمن، از جمله فرانکها (نیاکان فرانسویها)، آلمانها و گاتها، به روم یورش بردند و رومیها به ناچار با آنها صلح کردند و به آنها جای سکونت دادند و برخی نیز به سپاه روم پیوستند. قبیلههای اسکات، ساکسن و انگل (نیاکان انگلیسیها) نیز جزیرهی انگلستان را از فرمان رومیها درآوردند. هونها تنها بربرهای غیر اروپایی بودند که از شمال دشت مغولستان و آسیای مرکزی به اروپا کوچ کردند و گاتهای غربی یا وزیگوتها را از جایی که امروزه رومانی نام دارد، عقب راندند و در نتیجه، وزیگوتها به روم هجوم بردند. آنها امپراتور روم شرقی را کشتند و امپراتور روم غربی را باجگذار خود کردند. هونها در سال ۳۷۵ میلادی امپراتوری قدرتمندی را به رهبری آتیلای در جایی که اکنون مجارستان نام دارد، بنیان نهادند و امپراتوری روم شرقی را شکست دادند. سپاهیان آتیلای از سپاه مشترک امپراتوری روم غربی و وزیگوتها شکست خورد و آتیلای با

سپاهیان به ایتالیا رفت و اغلب شهرها به جز روم را غارت کرد. سرانجام آتیلا با گرفتن رشوه از امپراتوری روم غربی به مجارستان بازگشت .

یورش‌ها پیوسته‌ی قبیله‌های گوناگون بربر به امپراتوری روم باعث فروپاشی آن شد و سرانجام بربرها در آلمان، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان و فرانسه ساکن شدند. در سال‌های پایانی سده‌ی پنجم میلادی، کلویس، یکی از فرانک‌ها که فرمانروای گال در فرانسه بود، اوداکر، آخرین امپراتور روم غربی، را کشت و امپراتوری فرانک و ژرمن را بنیان نهاد. نوه‌ی کلویس، امپراتور شارلمان بود که هم‌عصر هارون الرشید، خلیفه‌ی بزرگ عباسی، بود. پس از مرگ شارلمانی، امپراتوری او به سه بخش مستقل بین نوه‌هایش تقسیم شد: بخش غربی اروپا که شامل فرانسه‌ی امروزی و اسپانیا بود برای شارل سر طاس؛ تمام سرزمین‌های ساحل رود رن که آلمان امروزی را در بر می‌گیرد برای لویی ژرمنی؛ بخش میانی اروپا از اکسلاشاپل تا روم پایتخت ایتالیا برای لوتر. بنابراین، بربرها نیاکان آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها بودند که پس از نابود کردن امپراتوری روم، آرام آرام بزرگترین امپراتوری‌ها و تمدن‌ها را در آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلستان پدید آوردند. اکنون آن‌ها به مردمانی چون من و شما، با پوزش‌خواهی از شما، بربر می‌گویند .

به این ترتیب، پرسش‌های آغازین بار دیگر، اما با نیرومندی بیشتر، مطرح شد. چه شد آنان که خود امپراتوری روم را نابود کردند، پس از هزار سال به اهمیت آن پی بردند و برای نوزایی آن کوشیدند؟ آیا به نظر شما دانش هزار سال پیش برای ساختن یک اروپای پویا و پیشرو کافی بود؟

در سال‌های پایانی سده‌ی سیزدهم میلادی، ایتالیا ثروتمندترین و پرجمعیت‌ترین ناحیه اروپا بود. این رشد اقتصادی پیام ارتباط بازرگانی اروپاییان با مسلمانان از راه شهرهای بندری و نیز (همان وندیقیه سابق) و سیسیل (همان صقلیه سابق) بود. این دو شهر در واقع مرز بین جهان اسلام و مسیحیت بود. ارتباط بازرگانی با مسلمانان باعث آشنایی اروپاییان با تمدن شکوهمند اسلامی در آن زمان شد، تمدنی که با کوشش ایرانیان مسلمان پدید آمد. جنگ‌های صلیبی نیز بر ارتباط فرهنگی اروپاییان با تمدن اسلامی افزود. به این ترتیب، با آمدن فرهنگ اسلام به اروپا، دوران قرون وسطی که دوران بی‌توجهی به علم و تفکر و فضای تکفیر و خفقان بود، به پایان رسید .

پیش از رنسانس، اروپاییان از تمدن یونان و روم باستان چیز زیادی نمی‌دانستند. اما مسلمانان به دلیل توجه اسلام به دانش اندوزی، بسیاری از نوشته‌های متفکران یونان و روم را از زبان پهلوی، سریانی و لاتین به عربی ترجمه کرده بودند. در این میان، سه مترجمان خراسانی بسار چشمگیر است و بخش زیادی از نوشته‌های یونانی نیز با کوشش ایرانیان در گندی‌شاپور سالم مانده بود. از حدود ۱۳۵۰ میلادی، ترجمه‌ی این آثار بار دیگر از عربی به زبان‌های اروپایی آغاز شد. به این ترتیب، آثار علمی و ادبی یونان و روم باستان که در نتیجه‌ی دانش دوستی خراسانیان مسلمان از دست فراموشی و نابودی نجات یافته بود، بار دیگر مورد توجه اروپاییان قرار گرفت .

ترجمه نوشته‌های متفکران یونان و روم باستان با حمایت ثروتمندان ایتالیا، به خصوص خاندان مدیسی در شهر فلورانس، رونق زیادی پیدا کرد. اما دانش یونان و روم باستان برای پی‌ریزی تمدنی شگرف که دست‌کم ۱۰ سده سستی و عقب‌ماندگی را تجربه کرده بود، کافی نبود. از این رو، ترجمه آثار دانشمندان مسلمان، از جمله ابوعلی سینا، رازی، خوارزمی، بیرونی، پسران موسی شاکر خراسانی، ابن نفیس، ابن رشد و بسیاری دیگر، مورد توجه قرار گرفت. کتاب قانون بوعلی سینا سال‌ها در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد و ترجمه‌ی شرح کتاب المنصوری، نوشته زکریای رازی، نخستین کتاب طبی بود که در اروپا چاپ شد.

مسلمانان رنسانس را به وجود آوردند

در دورانی که اروپا قرون وسطی را تجربه می‌کرد، نزدیک‌ترین همسایه اروپا، یعنی مسلمانان، در مدت هشتصد سال پیشرو جهان متمدن بودند. شکوفایی تمدن اسلامی دست کم دو برابر تمدن یونانی بود و مسلمانان بودند که خیلی مستقیم‌تر و چند جانبه‌تر از یونان، جهان غرب را تحت تأثیر خود قرار دادند. اما اغلب تاریخ‌نگاران اروپایی آن چه که در مورد نقش هشتصد ساله‌ی تمدن اسلامی بیان می‌کنند، فقط این

است که آنان فقط گنجینه‌ی تمدن یونان را به اروپا رساندند. آنان با این بیان نقش مسلمانان را به اندازه‌ی يك نامه رسان تاریخ تخفیف می‌دهند که بسته‌ی آموزشی تمدن یونان باستان را از لای در خانه به درون اروپای غربی انداخته است.

در این‌جا به گوشه‌هایی از هدیه‌هایی مسلمانان به اروپا اشاره می‌کنیم . در سال‌های پایانی قرون وسطی و نیز در دوره‌ی رنسانس، کتاب‌های زیادی از عربی به لاتین ترجمه شد. یکی از کتاب‌هایی که ترجمه آن به لاتین مورد توجه زیادی قرار گرفت، کتاب جبر و المقابله، نوشته‌ی محمدبن موسی خوارزمی، ریاضیدان برجسته‌ی خراسانی، است. او در این کتاب، که در واقع یکی از نخستین کتاب‌ها در زمینه‌ی کاربرد ریاضی در زندگی است، روش به کارگیری عددهای هندی را که مسلمانان از هندی‌ها فراگرفته بودند، جمع و تفریق، ضرب و تقسیم و محاسبه‌های کسری را به زبانی ساده آموزش می‌دهد .

پیش از فراگیر شدن آموزش‌های این کتاب، غربی‌ها برای محاسبه‌های خود از عددهای رومی استفاده می‌کردند که محاسبه کردن با آن‌ها به علت نداشتن عدد صفر مشکل بود. وارد شدن عدد صفر به اروپا چنان تحولی در ریاضیات به وجود آورد که برخی این عدد را مقدس دانستند و در وصف آن شعرها سرودند و سخن‌ها گفتند: "در صفر چیز مقدسی وجود دارد که آن را انتها و پایانی نیست، مانند خداوند که او نیز مانند صفر نه کم می‌شود نه زیاد... و همان‌طور که صفر همه‌ی عددها را ده برابر می‌کند او نیز ده‌برابر بلکه هزار برابر می‌کند... آری او همه چیز را از هیچ به وجود می‌آورد"... کاشفان سرزمین‌های جدید در دوره رنسانس اساس امپراتوری‌های اروپایی را که طی قرن بعدی بر بخش‌های زیادی از جهان حاکم شدند، پی ریزی کردند. پرتغالی‌ها در جست و جوی راهی برای دور زدن آفریقا و رسیدن به آسیا، کشتی‌هایی را به جنوب گسیل داشتند و اسپانیایی‌ها برای رسیدن به آسیا مسیر غرب را در پیش گرفتند. استفاده از قطب‌نما برای پیدا کردن مسیر درست که هدیه‌ی مسلمانان به اروپاییان بود، چنین ماجراجویی‌هایی را امکان پذیر ساخته بود. در قرن پانزدهم، کریستوف کولمب، ماجراجوی اسپانیایی که راهی غرب شده بود، در جزایر آمریکا به خشکی رسید و به اشتباه گمان کرد به آسیا رسیده است. اما گنجینه‌ی دانش جغرافیای مسلمانان که کولمب از آن آگاه شده بود، وی را به کشف قاره‌ی جدید رهنمون شد. مسلمانان پیش‌بینی کرده بودند که در آن سوی نیمکره‌ی نیز باید خشکی وجود داشته باشد و همان‌ها نیز بودند که کروی بودن زمین را ثابت کرده بودند. در این که کتاب ادریسی، دانشمند اندلسی، یعنی مجموعه‌ای از داده‌های جغرافیایی و کامل‌ترین نقشه‌ی جهان تا آن زمان، در اختیار اروپایی‌ها بوده است، شکی نیست.

یکشنبه، ۱۷ می ۲۰۰۹

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با کسب مجوز کتبی از «اصالت» مجاز است!

کلیه‌ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می‌باشد.

Esalat2006©Copyright

www.esalat.org

www.esalat.org